

بررسی ترجمه «مفعول مطلق» در صحیفه سجادیة بر پایه نظریه یوجین نایدا نمونه مورد پژوهش ترجمه انصاریان و آیتی

د. حسین مهتدی (نویسنده مسئول) *

الهام سقرلات **

چکیده

یوجین نایدا در دستگاه ترجمه‌شناسی خود، نظریه تعادل و هم‌ارزی را در برابر یکسان بودن مطرح می‌کند. در این فرایند هدف، انتقال کامل معنا و محتوای پیام می‌باشد و تحقق چنین امری، مستلزم تغییر صورت و برقراری تعادل میان ساختارهای دستوری متفاوت دوزبان می‌باشد. مفعول مطلق از جمله ساختارهای دستوری است که در زبان فارسی معیار، شباهت ساختاری ندارد. پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی به ارزیابی و نقد شیوه برگردان مفعول‌های مطلق صحیفه سجادیه، در ترجمه‌های آقایان انصاریان و آیتی بر مبنای نظریه هم‌ارزی یوجین نایدا پردازد تا از این منظر، ضمن اصلاح لغزش‌های موجود در دو ترجمه، بتوان از طریق برقراری هم‌ارزی پویا میان ساختارهای افتراقی متن مبدأ و مقصد، پیام و محتوای اصلی صحیفه سجادیه را در متن گیرنده، به طور صحیح بازسازی

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. mohtadi@pgu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

e.saqarlat@gmail.com

تاریخ الاستلام: ۲۰۲۲/۴/۲۷ تاریخ القبول: ۲۰۲۲/۵/۳۰

کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد، بیشترین لغزش مترجمان، در ترجمه مفعول مطلق تأکیدی رخ داده است. انصاریان به دلیل حفظ صورت متن مبدأ و ترجمه تحت اللفظی از مفعول مطلق تأکیدی، ترجمه منطبق با ترجمه صوری نایدا ارائه کرده و به سوی عربی‌گرایی و ترجمه‌گونگی روی آورده است؛ اما آیتی به دلیل حذف کامل مفعول مطلق تأکیدی از ترجمه خود و عدم معادل سازی آن، نتواسته است پیام و محتوای فرازهای صحیفه سجادیه را در متن مقصد منتقل کند؛ همچنین این دو مترجم در بازسازی مفعول مطلق نوعی و جانشینی عملکرد مناسبی داشته‌اند و کوشیده‌اند قیده‌های مناسبی را در زبان مقصد برای این ساختار برگزینند و به عبارتی این دو مترجم در این محور، مقصدگرا و مخاطب محور عمل کرده و ترجمه منطبق با ترجمه پویا نیز ارائه کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: صحیفه سجادیه، مفعول مطلق، یوجین نایدا، انصاریان، آیتی.

۱- مقدمه

صحیفه سجادیه، مجموعه‌ای از ادعیه‌های مأثور امام سجاد (ع) می‌باشد که بعد از قرآن کریم و نهج البلاغه، گنجینه غنی از حقایق و معارف الهی را در بردارد و همچنین جنبه فصاحت و بلاغت آن نیز شایان توجه است؛ از همین رو این گنجینه عظیم، با القاب "اُخت قرآن"، "انجیل اهل بیت ۸" و "زبور آل محمد (ص)" شناخته شده است (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا: ۱۵-۱۸؛ پیشوایی، ۱۳۷۲ش: ۲۰۷). تاکنون ترجمه‌های متعددی از صحیفه سجادیه انجام گرفته است. از جمله آن‌ها می‌توان به ترجمه آقایان انصاریان و آیتی که ترجمه‌های مورد نظر این پژوهش می‌باشد، اشاره کرد؛ اما یکی از رویکردهایی که اخیراً مورد توجه پژوهشگران واقع شده است، نقد و ارزیابی کیفیت متون ترجمه می‌باشد. در واقع مطالعات ترجمه، به یک شاخه علمی میان رشته‌ای بدل شده که بسیار روشمند و نظریه محور است و دیگر محدود به بررسی صحیح و غلط بودن یک ترجمه نیست. نقد ترجمه به عنوان یک زمینه پرکاربرد مطالعات ترجمه در تمامی زمینه‌های متنی و فرامتنی یک

اثر ترجمه‌ایی، فعالیت می‌کند و از واژگان تا مؤلفه‌های فرامتنی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیش از هر چیز با انتخاب‌های ترجمه‌ایی مترجمان و چرایی آن سروکار دارد (فرحزاد، ۱۳۹۰: ۳۰-۴۰).

از چالش‌های بنیادی و اساسی که مترجم در فرایند ترجمه، با آن روبه‌رو خواهد شد، تفاوت در ساختارهای دستوری میان زبان‌ها می‌باشد و مترجم باید برای برون‌رفت از این چالش‌ها دقت ویژه‌ایی مبذول نماید تا در ترجمه خود گرفتار به‌کارگیری ساختارهای غریب و نامأنوس نشود؛ چرا که عدم توجه به این امر منجر به تضعیف سطح ترجمه و کاهش میزان اثرگذاری آن خواهد شد. «حال باتوجه به این که زبان فارسی و عربی از دوشاخه متفاوت هستند، یعنی زبان فارسی زیرمجموعه زبان‌های هندی و اروپایی و زبان عربی زیرشاخه زبان‌های سامی است، کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که مترجم در معادل‌یابی برای برخی ساختارهای دستوری زبان عربی با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود» (کوکبی دانا و سعیداوی، ۱۴۰۰ش: ۲۷۶)؛ در چنین مواردی، «یوجین آلبرت نایدا» از صاحب‌نظران معروف در عرصه ترجمه، نظریه تعادل و هم‌ارزی پویا را در برابریکسان بودن مطرح می‌کند؛ به این منظور که مترجم می‌تواند برای انتقال محتوا و اصل پیام متن مبدأ، صورت و ساختار متن اصلی را تغییر دهد و نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین معادل آن ساختار را در متن مقصد برگزیند؛ از جمله این تفاوت‌های دستوری می‌توان به ساختار مفعول مطلق اشاره کرد که در زبان فارسی معیار فاقد شباهت ساختاری است، طبق این نظریه مترجمان باید برای برگردان این ساختار نزدیک‌ترین معادل آن که شامل قیود و انواع آن می‌باشد، برگزیند.

بنابراین به دلیل نارسایی‌ها و مشکلات متعددی که در نحوه برگردان مفعول‌های مطلق صحیفه سجادیه، در ترجمه دو تن از مترجمان از جمله آقایان انصاریان و آیتی مشاهده می‌شود، ضرورت نیاز پژوهش را در این زمینه ایجاب می‌کند؛ بنابراین در این پژوهش کوشیده شده است تا به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نظریه هم‌ارزی پویا و صوری یوجین نایدا، با نگاهی انتقادی این دو ترجمه مورد ارزیابی

قرار گیرد، تا ضمن تبیین نقص های موجود در ترجمه ها، راهکارهایی را برای ارائه ترجمه مطلوب بیان شود.

۱-۲- سؤالات پژوهش

آیا هر دو مترجم، در بازسازی و ترجمه مفعول مطلق و انواع آن توانسته اند معادل یابی دقیقی انجام دهند؟

بیشترین لغزش ها در ترجمه جملات حاوی مفعول مطلق در کدام ترجمه بیشتر نمود پیدا کرده است؟

۱-۳- پیشینه تحقیق

جستجو در منابع متعدد نشان می دهد، تاکنون مطالعات محدودی در زمینه نقد، بررسی و آسیب شناسی ترجمه های صحیفه سجادیه انجام پذیرفته است. در ادامه به برخی از مطالعاتی که اخیراً در این زمینه صورت گرفته است، اشاره خواهیم کرد: پایان نامه «همطرازی اسلوب تأکید در ترجمه صحیفه سجادیه (با بهره گیری از دعاهای مناسبت ها و با تأکید بر ترجمه های الهی قمشه ای، بلاغی، فیض الاسلام، موسوی گرمارودی)» (۱۳۹۳ش)؛ نوشته اکرم کریمی راد است. نگارنده اثر، ضمن استخراج اسلوب های تأکید در دعاهای مناسبتی، بازتولید آن ها و میزان هم طرازی شان را در ترجمه های مذکور بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته است که تأکیدهای دعاها با ترجمه های فارسی هم طراز نمی باشد.

از دیگر پژوهش ها می توان به مقاله «بررسی راهبرد «کاهش» در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه براساس نظریه گارسس» (۱۳۹۹ش)؛ به قلم مریم بخشی اشاره کرد. نگارنده در این جستار، ترجمه را طبق نظریه گارسس آسیب شناسی کرده و موارد کاهش و عیوب آن را برشمرده است.

مقاله «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)» (۱۳۹۶ش)؛ به قلم محمد فرهادی و همکاران است. نویسندگان در این مقاله، به بررسی عوامل زمینه ساز دو گرایش انحرافی از جمله: «اطناب» و «توضیح» در ترجمه انصاریان پرداخته اند. در ادامه

به برخی از پژوهش‌هایی که اخیراً براساس نظریه «یوجین نایدا» مدوّن شده است اشاره خواهیم کرد:

مقاله «واکاوی جنبه‌های بلاغت حال مؤکد معنای عامل در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم با کاربریست تئوری هم‌ارزی نایدا» (مطالعه موردی ترجمه‌های فولادوند، خرمشاهی، حداد عادل) (۱۳۹۹ش)؛ اثریدالله حیدری و سیدرضا سلیمان‌زاده نجفی می‌باشد. نویسندگان ترجمه‌ها را براساس دو رویکرد بنیادی نظریه ترجمه نایدا یعنی «هم‌ارزی پویا» و «هم‌ارزی صوری» مورد ارزیابی قرار داده و نتایج حاکی از آن است که ترجمه آقایان فولادوند و حداد عادل با تئوری هم‌ارزی پویا بیشتر منطبق است؛ اما آقای خرمشاهی ترجمه مبدأگرا و منطبق با هم‌ارزی صوری ارائه کرده است. بنابراین تاکنون پژوهشی که به طور مستقل برگردان «مفعول مطلق» را در ترجمه صحیفه سجادیه که براساس نظریه «یوجین نایدا» بررسی کرده باشد، یافت نمی‌شود. همانطور که قبلاً بیان شد، در قلمرو نقد و ارزیابی ترجمه صحیفه سجادیه مطالعات محدودی شکل گرفته است؛ از همین رو این پژوهش، می‌تواند گامی مؤثر و پیشگام در این حوزه به شمار آید که به منظور بهبود و ارتقای کیفی ترجمه‌ها، آن‌ها را به روش اصولی و علمی مورد تدقیق و ارزیابی قرار می‌دهد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- ترجمه مفعول مطلق در زبان فارسی

در دستور زبان فارسی معیار، چیزی با عنوان «مفعول مطلق» وجود ندارد. مفعول مطلق، مختص زبان عربی است و در اصطلاح نحو، بر مصدر فعلی اطلاق می‌شود که منصوب است و پس از فعل برای تأکید یا بیان نوع و عدد آن ذکر می‌شود؛ مانند: «كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَ نَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا» (مریم / ۷۹). در این آیه مبارکه، فعل «نَمُدُّ» عامل و «مَدًّا» مفعول مطلق و مصدر تأکید کننده عامل است. این نوع مفعول برخلاف دیگر مفاعیل که مقید به حروف جرمی باشد، عاری از هرگونه قید است؛ از همین رو تسمیه مفعول مطلق را بر آن نهاده‌اند (سامرائی،

۱۴۲۰ هـ، ج ۲: ۱۴۹)؛ بنابراین برای برگردان متن عربی به فارسی ناگزیر باید برای چنین مفعولی، معادلی برگزینیم.

بیشتر دستورنویسان معتقدند که معادل «مفعول مطلق» در زبان فارسی همان «قید» است. خیام‌پور در تعریف قید بیان می‌کند: «قید کلمه‌ای است که برای مقید ساختن فعل یا شبه فعل یا قید وضع شده باشد و به عبارت دیگر بر معنای آنها چیزی از قبیل زمان و مکان و کم و کیف و دیگر اوصاف فعل بیفزاید، مقصود از شبه فعل چیزهایی از قبیل مصدر و صفت است» (خیام‌پور، ۱۳۴۴ ش: ۸۲-۸۳) و از آنجا که مفعول مطلق در زنجیره نحوی، رابطه مستقیمی با فعل دارد از همین رو معادل آن در زبان فارسی «قید فعل» خواهد بود و یک مترجم باید بسته به نوع مفعول مطلق متن مبدأ، قید متناسب آن را برگزیند. در ادامه متناسب با نوع «مفعول مطلق» معادل آن را در زبان فارسی بیان می‌کنیم:

۱- «مفعول مطلق تأکیدی»؛ که بر مصدر مبهمی اطلاق می‌شود که از لفظ فعل است و بدون صفت و مضاف‌الیه در جمله بیان می‌شود و هدف آن، تأکید وقوع فعل و تقویت حکم آن است (حسن، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۱۹۶). در زبان فارسی «معادل مفعول مطلق تأکیدی، کلماتی چون بسیار، خیلی، زیاد، خوب و به شدت است؛ مانند: «أكرمني إكراماً» احترام زیادی به من گذاشت یا جمله «رحب بي ترحيباً» از من استقبال خوبی کرد» (ناظمیان، ۱۳۸۶ ش: ۴۳). ۲- «مفعول مطلق» نوعی؛ مصدر مختصی است که بیان‌کننده نوع عامل است و همراه با صفت یا مضاف‌الیه در جمله بیان می‌شود. هدف آن علاوه بر تأکید عامل خود، بیان چگونگی و کیفیت وقوع فعل است (حسن، ۱۴۲۲ ق: ج ۲، ۱۹۶-۱۹۷). در ترجمه مفعول مطلق نوعی که دارای صفت است معمولاً می‌توان از پیشوند «با» در متن فارسی استفاده کرد، مانند «نَبَتَ القَمَحُ نَبْتَةً شَدِيدَةً»؛ «گندم با رویشی جدید، روید». اگر آن صفت بیانگر کیفیت فعل باشد در ترجمه آن باید از قید کیفیت استفاده کرد، مانند: «امتحانوا امتحاناً يسيراً قصيراً»؛ «امتحانی ساده و کوتاه دادند؛ اما اگر مفعول مطلق مضاف باشد در این صورت از قید تشبیه و قید حالت استفاده می‌شود؛ «نظر الشيخُ إليه

نظرة الأب»؛ «پیرمرد نگاهی همچون نگاه پدر به او کرد» و همین گونه؛ «قمت قیام العبد»؛ «بنده وار به پا خاستم» (معروف، ۱۳۹۶ش: ۱۲۵-۱۲۶). ۳- «مفعول مطلق عددی»؛ مصدر مختصی است که هم عامل خود را تأکید می کند و هم عدد فعل را مشخص می نماید (حسن، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۹۷). معادل این نوع مفعول مطلق، در زبان فارسی، قید عدد می باشد مانند «ضربت ضربتین»؛ «او را دوبار زدم».

افزون براین، در برخی موارد مصادری در جمله به عنوان مفعول مطلق بیان می شود که عامل آن جوازاً یا وجوباً حذف شده است نحویان در چارچوب قواعد دستور زبان عربی، از آن با عنوان «مفعول مطلق محذوف الفعل» یاد می کنند از قبیل: حقاً، سمعاً، طاعةً، شکرًا، معاذ الله، معذرةً... دوروش برای ترجمه این نوع مفعول مطلق بیان شده است از قبیل: «جملهی» «ای: در این روش مفعول مطلق با توجه به عامل محذوفش ترجمه می شود؛ مانند «صبراً» یعنی «اصبر صبراً» قدری صبر کن! و ترجمه تک واژه ای: مانند: «شکرًا» یعنی تشکر» (معروف، ۱۳۹۶ش: ۱۲۶). ما در این مقاله براساس انواع مختلف مفعول مطلق، ترجمه فارسی انصاریان و آیتی از صحیفه سجادیه را بررسی کرده تا معادل یابی دقیقی از انواع مفعول مطلق در آن دورا براساس نظریه یوجین نایدا به مخاطب بشناسانیم.

۲-۲- نظریه یوجین نایدا

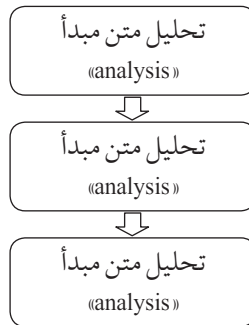
«یوجین آلبرت نایدا» (۱۹۱۴-۲۰۱۱) زبان شناس، مترجم و نظریه پرداز غربی است که در سال ۱۹۶۹م اثری با عنوان «به سوی علم ترجمه» به زیور طبع آراست. تئوری جدید نایدا در خصوص ترجمه، تا حد زیادی متأثر از مفاهیم نظری در زبانشناسی کاربردی است و همچنین از تفکرات چامسکی و نظریه او در خصوص دستور زایشی - گشتاری تأثیر پذیرفته است. نایدا ترجمه را چنین تعریف می کند: «ترجمه عبارت است از پیدا کردن نزدیکترین معادل طبیعی پیام زبان دهنده در زبان گیرنده، نخست از لحاظ معنایی و دوم از لحاظ سبک» یا «ترجمه عبارت است از پیدا کردن نزدیکترین معادل طبیعی معنایی و سبکی پیام زبان دهنده در زبان گیرنده» (نایدا، ۱۳۵۲ش: ۴۶)؛ بنابراین از نظر نایدا، یک مترجم هیچگاه

نمی‌تواند میان متن مبدأ و متن مقصد تطابق کامل برقرار سازد؛ بلکه همواره باید بکوشد برای بازتولید پیام متن مبدأ، نزدیک‌ترین معادل را که با زبان مقصد نیز سنخیت دارد، برگزیند و تعادل و توازن میان معادل‌ها و حالت طبیعی ترجمه نیز حفظ شود. البته در امر معادل‌یابی، نباید به‌گونه‌ایی افراط شود که در انسجام متن، خللی وارد شود.

الگویی که نایدا برای فرایند ترجمه مطرح کرده متشکل از سه مرحله اساسی است که به شرح ذیل می‌باشد:

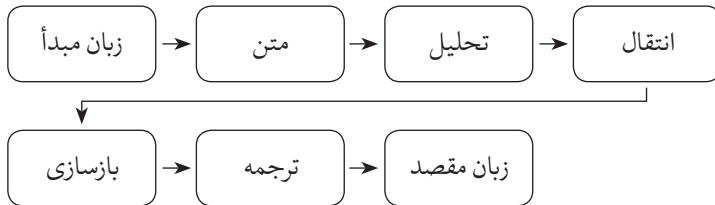
شکل ۱. مراحل حرکت از متن مبدأ به متن مقصد (صنعتی فرو و شجاع‌نی‌نوا،

۱۳۹۹ش: ۵۸).



نایدا بر این باور است که «برای ترجمه، لازم است که مترجم ابتدا روساخت متن مبدأ را تحلیل کند تا به ژرف ساخت (معنا) برسد و سپس آن را به زبان مقصد منتقل کرده و با کدهای زبانی آن را بازنویسی کند. مرحله انتقال مرحله‌ای ذهنی است که غالباً ویرایش ترجمه در همین مرحله ممکن می‌شود و تجسم می‌یابد؛ اما حقیقت این است که هم ترجمه و هم ویرایش ترجمه از مرحله تحلیل آغاز می‌شوند؛ زیرا پی بردن به مقصود متن بیشتر در مرحله تحلیل صورت می‌پذیرد. نایدا مرحله تحلیل را هم متشکل از دو جزء می‌داند: تحلیل دستوری و تحلیل معنایی» (همان، ۱۳۹۹ش: ۵۸).

شکل ۲. مدل ترجمه نایدا (براساس نظریه چامسکی) (همان، ۱۳۹۹ش: ۵۸).



به اعتقاد نایدا ترجمه وفادار ترجمه‌ای است که؛ «همان واکنشی را در خواننده ایجاد کند که متن اصلی در خواننده خود ایجاد کرده است» (خزاعی فر، ۱۳۸۲ش: ۱۱) در واقع تأکید بیشتر نایدا، بر تأثیر ترجمه در مخاطب است. نایدا برای تحقق چنین امری مسئله «هم‌ارز بودن» را در مقابل «یکسان بودن» ترجمه مطرح می‌کند. در یکسان بودن ترجمه، ایجاب می‌کند که میان تمامی واحدهای ترجمه اعم از «واژه»، «جمله یا پاراگراف» تعادل کامل برقرار شود حال آنکه در ترجمه هم‌ارز، مترجم از حوزه زبانی پافراتر نهاده و موظف است که تعادل را بین ویژگی‌های فرازبانی از قبیل «موقعیت» و «بافتار متن مبدأ و متن مقصد» و نیز تأثیر آن بر مخاطبان دو جامعه زبانی مختلف برقرار سازد (رک؛ حقانی، ۱۳۹۹ش: ۷۲)؛ بنابراین آنچه که در نظر نایدا از اهمیت بیشتری برخوردار است، هم‌ارز بودن متن ترجمه و متن اصلی است به همین منظور در دستگاه ترجمه‌شناسی خویش، طرح دوگانه کاملاً متضاد از قبیل «ترجمه صوری^۱» و «ترجمه پویا^۲» را مطرح می‌سازد.

در ترجمه صوری، فرایند ترجمه تا حد گسترده‌ای تحت تأثیر زبان مبدأ و متن اصلی است به‌گونه‌ای که معنا به صورت تحت اللفظی و ساختار ترجمه، تابع ساختار زبان مبدأ می‌باشد (فرخ‌زاد، ۱۳۸۴ش: ۳۸)؛ یعنی مترجم حق هیچ‌گونه تعدیلی اعم از کاهش یا افزایش در روند ترجمه را ندارد، به‌گونه‌ای که در این فرایند، «اسم به اسم»، «صفت به صفت» و «فعل به فعل» ترجمه می‌شود (صلح‌جو،

1. Formal Equivalence
2. Dynamic Equivalence

۱۳۸۱ش: ۶۳-۶۴)؛ بنابراین در ترجمه صوری، مترجم همواره کوشیده از هرنوع دخل و تصرفی در محتوا و ساختار متن اصلی اجتناب ورزد و نسبت به زبان مبدأ، اصل وفاداری را رعایت کند، تا برابری زبان مبدأ با زبان مقصد تا حد امکان محقق گردد هرچند ممکن است که روند انتقال «پیام» به زبان مقصد به خوبی صورت نپذیرد (نایدا، ۱۹۷۶م: ۳۲۲). نایدا ضمن نپذیرفتن ترجمه صوری، ترجمه پویا را که قطب مخالف آن است، پیشنهاد می‌کند.

در ترجمه پویا، مترجم همیشه ملزم به رعایت صورت و ساختار متن اصلی نیست؛ بلکه همواره می‌کوشد تا از طریق انتقال پیام متن، تأثیر مشابه را در فرهنگ و زبان مبدأ بر مخاطب جامعه زبانی مقصد ایجاد کند و با اتخاذ معادل‌یابی‌های پویا و طبیعی در متن مقصد، خوانندگان را به متن اصلی متصل گرداند. در چنین فرآیندی، مترجم در روند ترجمه، می‌تواند تعدیلات فراوانی را در متن اعمال کند از قبیل حذف و افزایش مطالبی به ترجمه یا حتی تغییر صورت متن (نایدا، ۱۹۷۶م: ۳۲۲)؛ زیرا «در این ترجمه، حرف آخر را پیام می‌زند و صورت وسیله‌ای است در خدمت پیام» (صلح‌جو، ۱۳۷۷ش: ۶۴). البته مترجم تا جایی می‌تواند در متن ترجمه، دخل و تصرف داشته باشد که موجب تحریف آن نشود. بنابراین آنچه گذشت می‌توان گفت که تأکید ترجمه صوری بر متن مبدأ می‌باشد در صورتی که ترجمه پویا بیشتر بر مخاطب متن ترجمه شده و زبان مقصد تأکید دارد.

۳- نقد و بررسی ترجمه «مفعول مطلق» صحیفه سجاده‌ی انصاریان و آیتی بر پایه

نظریه یوجین نایدا

۳-۱- بازسازی مفعول مطلق تأکیدی

مفعول مطلق تأکیدی، از جمله موارد نحوی است که با آن فعل را مؤکد می‌سازند. این ساختار تنها مختص زبان عربی است و در زبان فارسی معیار، صورت عینی و مشابهی ندارد؛ بنابراین در ترجمه متون عربی، مترجم ناگزیر است برای چنین صورت زبانی، معادل مناسبی برگزیند و از آنجا که مفعول مطلق دارای صبغه تأکید

است، مناسب‌ترین معادل این ساختار در زبان فارسی، قیود تأکید، کیفیت و نفی می‌باشند (قلی‌زاده، ۱۳۷۹ش: ۹۳)؛ چرا که قیود همچون مفعول مطلق یک وابسته فعلی هستند که چگونگی به فعلیت رسیدن عامل خود را تأکید می‌کنند.

(اَبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ اَبْتِدَاعًا، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلٰی مَشِيَّتِهِ اَخْتِرَاعًا) (دعای ۱: فراز ۳).

انصاریان: موجودات را به قدرتش آفرید، آفریدنی بی‌مانند؛ و آفریده‌ها را به اراده‌اش ساخت، ساختنی بی‌مثال.

آیتی: آفریدگان را به قدرت خود ابداع کرد و به مقتضای مشیت خویش جامه هستی پوشید.

دو واژه «ابتداعاً» و «اختراعاً»، در عبارت فوق، به ترتیب مفعول مطلق‌های تأکیدی برای فعل‌های ماضی «ابتدع» و «اخترع» می‌باشد. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در ترجمه این دو مفعول مطلق تأکیدی، انصاریان کوشیده است تا حد زیادی به شکل و ساختار زبان مبدأ پایبند و وفادار بماند، از همین رو می‌توان گفت، وی براساس ترجمه صوری نایدا عمل کرده است، به عبارتی دیگر، دغدغه اصلی این مترجم، انتقال صورت و ساختار زبان مبدأ در متن مقصد می‌باشد تا انتقال اصل پیام و محتوای آن. براین اساس مترجم، این دو مفعول مطلق را به همان شیوه و ساختاری که در زبان مبدأ مشاهده می‌شود، به صورت تحت اللفظی و حرف به حرف ترجمه کرده است؛ اما به اعتقاد نایدا: «مترجم خوب به جای آنکه ساختار صوری زبانی را بر زبان دیگر تحمیل کند، سعی می‌کند تا با ایجاد تغییرات لازم، پیام را در قالب ساختاری مشخص در زبان گیرنده بازسازی کند» (نایدا، ۱۳۹۳ش: ۷)؛ زیرا ترجمه مطلوب و صحیح، ترجمه‌ای است که از لحاظ دستور زبان مقصد، کاملاً درست و منطبق باشد؛ اما انصاریان با وارد کردن این ساختار نحوی که تنها مختص زبان مبدأ (عربی) است، نوعی ناهنجاری و اطناب در متن مقصد ایجاد کرده است و افزون بر این ترجمه او، دچار عربی‌گرایی شده است، در صورتی که یک مترجم خوب تلاش می‌کند، تا حد امکان اثرش، از «ترجمه‌گونگی» به دور باشد.

آیتی در ترجمه فوق، نقش مفعول‌های مطلق را به طور کامل نادیده گرفته است و

در ترجمه، برای آن‌ها نه تشابه ساختاری قائل بوده و نه به صورت معادل ساختاری بازسازی کرده است. این نوع حذف و کاهش از زبان مبدأ در ترجمه نادرست می‌باشد؛ زیرا نایدا معتقد است در فرایند ترجمه در صورتی مترجم می‌تواند به حذف و کاهش از متن اصلی روی بیاورد که اولاً ترجمه یک عبارت نوعی سوء تعبیر به همراه داشته باشد، دوماً آن عباراتی که به دلیل برخورداری از یک ساختار دستوری و واژگانی خاص، ثقیل و دشوار به نظر برسند تا جایی که مخاطب نتواند، پیام و معنای اصلی آن را درک کند (نایدا، ۱۳۹۲: ۵)، در این صورت مترجم قادر به حذف و کاهش از متن اصلی می‌باشد؛ اما آیتی با حذف مفعول‌های مطلق تأکیدی که به منظور تأکید عامل خود و تقویت حکم آن‌ها بیان شده است، نتوانسته است ترجمه‌ای معادل که ارزش یکسانی با متن اصلی داشته باشد، ایفا کند؛ زیرا در ترجمه «هم‌ارزی» نایدا، می‌بایست، متن ترجمه همان تأثیری را در مخاطب ایجاد کند که متن اصلی به همراه دارد.

افزون براین، در بخش دوم فراز «وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِزَاعاً» مترجم، نقش مفعول به «هم» را نیز ترجمه نکرده و به عبارت کنایی «جامه عمل پوشید» بسنده کرده است. بنابراین بهتر بود، مترجمان در بازسازی مفعول مطلق تأکیدی در زبان فارسی، از قید تأکید و کیفیت که معادل مناسبی برای این ساختار است از قبیل: «سخت، سختی، نیک، به نیکی، به شدت، به خوبی، چنان‌که باید، بدقت، کاملاً» بهره می‌جستند.

ترجمه پیشنهادی: آفریدگان را با قدرت خویش تمام و کمال آفرید و آنان را با اراده خود به نیکویی پدید آورد.

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَجَّحْنِي بِالْكَفَايَةِ...، وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا، وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا) (دعای ۲۰: فراز ۲۲).

انصاریان: خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و تارک وجودم را به تاج توانایی و لیاقت بیارای...، و زندگی‌ام را دشوار و سخت قرار مده و دعایم را به من برگردان،

برگرداندنی تلخ و ناهنجار؛ همانا من برای توضدی در اعتقادم قرار نمی‌دهم و با تو همانند و شبیهی نمی‌خوانم.

آیتی: بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و تاج بی‌نیازی بر سر من نه...، و زندگی من به رنج میامیز و دعای من اجابت ناکرده بر سر من مزن که من تو را همتایی نشناسم و با وجود تواز دیگری چیزی نخواهم.

در این بخش، شاهد مثال «رَدًّا» مفعول مطلق تأکیدی برای فعل «لَا تَرُدَّ» می‌باشد. انصاریان در برگردان این مفعول مطلق نیز، مبدأگرا عمل کرده و ترجمه صوری و تحت اللفظی ارائه کرده است؛ البته وی کوشیده است در کنار ترجمه تحت اللفظی مفعول مطلق، قید «تلخ و ناهنجار» را به آن بیافزاید که این نیز موجب طولانی‌تر شدن ترجمه گشته است؛ البته «در فرآیند انتقال از یک ساختار فرهنگی و زبانی به ساختار فرهنگی و زبانی دیگر، تقریباً طولانی بودن ترجمه حاصل، اجتناب ناپذیر است» (نایدا، ۱۳۹۲ش: ۲۰۴)، در واقع مترجم در مواردی که به ترجمه تحت اللفظی و صوری روی می‌آورد، به دلیل بعد دشواری که در این گونه ترجمه‌ها دیده می‌شود ناچار است برای توضیح و انتقال پیام، «حشوهای» را در متن خود بیافزاید؛ اما باید در نظر داشت که مترجم، تنها به تصریح اطلاعاتی بپردازد که به صورت ضمنی در متن اصلی وجود دارد، به عبارتی اگر مترجم «اطلاعات جدیدی» را وارد متن ترجمه کند، این حشو دیگر مجاز نخواهد بود (همان، ۱۳۹۲ش: ۲۰۶)، چنان‌که در ترجمه انصاریان مشاهده می‌شود، وی حشوهای را به متن مقصد افزوده است که در متن اصلی به چشم نمی‌خورد؛ بنابراین به جای این نوع ترجمه تحت اللفظی و وارد کردن ساختاری بیگانه در زبان مقصد که خود می‌تواند آسیبی جدی به زبان فارسی معیار وارد کند، بهتر است از شیوه ترجمه پویا و بومی‌سازی عبارات و ساختار دستوری به منظور انتقال بهتر پیام متن مبدأ بهره جست.

در ترجمه دوم، چنان‌که ملاحظه می‌شود، آیتی باری دیگر در ترجمه خود، نقش مفعول مطلق را نادیده گرفته است و معادلی برای آن در ترجمه نیاورده است. افزون بر این، مترجم در متن مقصد عبارت «بر سر من مزن» را ذکر کرده است که

در متن مبدأ (صحیفه سجادیه) موجود نمی باشد. همان طور که قبلاً نیز اشاره شد این کاهش و افزایش، نوعی نابهنجاری محسوب می شود و مترجم در ترجمه، جانب امانت داری را رعایت نکرده است؛ اما به نظر می رسد، آیتی در ترجمه خود، همواره کوشیده است، ترجمه ایی متناسب با متن اصلی ارائه کند نه یک ترجمه معادل؛ زیرا در ترجمه متناسب، مترجم تنها به جنبه های اساسی متن اصلی اکتفا می کند و از انتقال جزئیات آن متن خودداری می کند، به عبارتی در ترجمه متناسب که از ارزش معنایی مشابهی با متن اصلی برخوردار است، جزئیات آن متن فدای کلیات و رسایی ترجمه می شود (منافی اناری، ۱۳۸۷ش: ۱۱۶) و بنابر اینکه دو زبان از ساختار زبانی مشترکی برخوردار نیستند لازم است در فرایند ترجمه تعدیلات و تغییراتی در سبک ایجاد شود تا متن ترجمه، همگون با معیارهای زبان مقصد ارائه شود و یکی از این موارد می تواند تعدیل معنایی باشد؛ به این منظور که مترجم، برای رسایی و قابل فهم بودن ترجمه، تعدیلاتی را در مؤلفه های معنایی از قبیل افزایش (expansion) یا کاهش (reduction) عناصر واژگانی ایجاد می کند (منافی اناری، ۱۳۸۷ش: ۱۱۷)، چنان که ملاحظه می شود، آیتی منطبق با ترجمه پویای نایدا نیز عمل کرده است؛ چرا که وی کوشیده است براساس تعدیلاتی که در جملات و ساختار ترجمه انجام داده است، ترجمه طبیعی و متناسب با زبان مقصد ارائه کند؛ اما با وجود این، مترجم نتوانسته است پیام و معنای اصلی مفعول مطلق تأکیدی را در متن مقصد، بازسازی کند.

بنابراین برای ارائه ترجمه پیشنهادی خود باید دقت کرد که عامل مفعول مطلق مقارن با حرف نفی «لا» می باشد و در ترجمه مفعول مطلق می بایست به جای قید تأکید و کیفیت، از قید نفی به عنوان معادل آن برگزینیم (رک، قلی زاده، ۱۳۷۹ش: ۹۳).

ترجمه پیشنهادی: دعای مرا هرگز [اجابت ناکرده] بر من برمگردان ...
(وَسَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَآمَنَّا مِنْ شُرُورِهِ، وَأَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَضْبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًّا) (دعای ۴۰: فراز ۲).

انصاریان: و از فریب آرزوها ما را سالم دار و از بدی هایش امان ده و مرگ را در برابر دیدگان ما قرار داده؛ قرار دادنی دائم و همیشگی؛ و یادش را به گونه ای قرار مده که روزی یادش کنیم و روزی از آن غفلت ورزیم.

آیتی: ای خداوند، ما را از فریب سراب آرزوها به سلامت دار و از شر و فساد آن ایمنی بخش و مرگ را در برابر ما بدار و روزی مباد که از یاد مرگ غافل باشیم.

در عبارت فوق، شاهد «نصباً» مفعول مطلق تأکیدی برای فعل امر «انصب» می باشد. آنچه تاکنون در ترجمه انصاریان مشهود بود، حفظ ساختار مفعول مطلق تأکیدی در زبان مقصد بود، به نظر می رسد مترجم تلاش کرده است ترجمه ایی مطلوب ارائه دهد به گونه ایی که هم صورت و هم معنا، در زبان مقصد منتقل شود؛ اما به اعتقاد نایدا آنچه در ترجمه کتب مقدس و دینی حائز اهمیت است و در درجه نخست قرار می گیرد، تنها معنا و پیام آن کتب می باشد؛ از همین رو اگر مترجم تغییراتی را در صورت ایجاد کند نه تنها ترجمه صحیحی خواهد بود بلکه بسیار پسندیده و مقبول واقع می شود؛ به عبارتی مترجم ناگزیر است برای انتقال پیام، در متن اصلی دخل و تصرفی داشته باشد یا به حذف و اضافه کردن از آن متن روی بیاورد، در واقع «مهم ترین وظیفه مترجم، تشخیص و متمایز ساختن صورت از معنی، کنار نهادن صورت زبان مبدأ و اخذ معنی و قالب ریزی آن در صورت زبان مقصد است» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۲ ش: ۱۵۶)؛ اما انصاریان، در مرحله تحلیل دستوری متن مبدأ، به دلیل حفظ صورت مفعول مطلق، نتوانسته است، سبک و ساختار دستوری مناسب و معادل آن را در متن گیرنده بازسازی کند و به مراتب نوعی ناهنجاری دستوری، در متن مقصد ایجاد کرده است.

در ترجمه آیتی نیز، چنان که ملاحظه می شود، وی نقش مفعول مطلق تأکیدی را نادیده گرفته است و هیچ گونه معادل یا تشابه ساختاری، برای آن در متن مقصد، بیان نکرده است که این حذف نابجا موجب شده است پیام اصلی ایی که در این بخش از فراز وجود دارد، یعنی تأکید بر تداوم یاد و ذکر مرگ، چنان که در متن اصلی بدان اشاره شده است، منتقل نشود؛ از همین رو می توان در ترجمه پیشنهادی از

قیود تأکیدی «همواره»، «به‌طور مداوم» و «به‌طور همیشگی» که معادل مناسبی برای مفعول مطلق تأکیدی است، بهره جست.

ترجمه پیشنهادی: مرگ را همواره در برابر دیدگانمان قرار ده.

۲-۳- بازسازی مفعول مطلق نوعی

همان‌گونه که قبلاً نیز بدان اشاره شد، مفعول مطلق نوعی، مصدری است که مبین نوع عامل خود می‌باشد، این مفعول مطلق به دو نوع تقسیم می‌شود؛ نوع نخست مفعول مطلق موصوفه است که به وسیله صفت مفرد و جمله یا شبه جمله نوع آن مشخص می‌گردد؛ مهم‌ترین ایرادی که در برگردان این نوع مفعول مطلق دیده می‌شود، ترجمه آن به صورت مفعول صریح است؛ اما معادل آن در متن فارسی، قیود تأکید و کیفیت می‌باشند. نوع دوم مفعول مطلق، مضاف می‌باشد و به وسیله مضاف الیه نوع آن مشخص می‌گردد؛ در برگردان این نوع مفعول مطلق می‌توان از قید تشبیه و قید حالت بهره جست. در ادامه به بررسی مفعول مطلق‌های نوعی در صحیفه سجاده می‌پردازیم:

(وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَّرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ) (دعای ۲۲: فراز ۱۴).

انصاریان: و مرا از آنان قرار ده که تو را خالص و بی‌آلایش، در حال آسایش می‌خوانند، مانند خواندن خالصان بی‌آلایش در مانده؛ همانا تو ستوده بزرگواری. آیتی: بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که تو را از روی اخلاص می‌خوانند به هنگام آسودگی، انسان که درماندگان از روی اخلاص می‌خوانند به هنگام درماندگی. انك حميد مجيد.

در عبارت فوق، «دعاء» مصدر و مفعول مطلق نوعی است و «المخلصين» مضاف الیه آن می‌باشد. معادل این مفعول مطلق چنان‌که قبلاً نیز بدان اشاره شد، قید تشبیه است، اما «یکی از مشکلاتی که در ترجمه این گونه مفعول مطلق‌ها وجود دارد، بی‌توجهی به مصدر بودن مفعول مطلق و کم دقتی در ساختار صرفی معادل آن است» (قلی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۰). کلمه «دعاء» در زبان عربی، مصدر است و

برای برگردان این گونه مصادر در زبان فارسی، مترجم معمولاً از مصادر کمکی مثل «عذاب کردن، دعا کردن، ایمان آوردن، تسلیم شدن و...» (قلی زاده، ۱۳۷۹ ش: ۱۰۰) استفاده می‌کند؛ از همین رو در بازسازی این مفعول مطلق که با «مضاف الیه» نوعیت آن مشخص می‌شود، باید مصدر «دعاء» را به معادل صرفی و بلاغی دقیقی یعنی «فراخواندن، خواندن» ترجمه کرد. انصاریان در ترجمه خود، کوشیده است ترجمه‌ایی پویا و بلاغی‌تر و وفادارتر ارائه کند؛ زیرا وی با به‌کارگیری معادل مصدر «دعاء» یعنی «خواندن» و استفاده از قید تشبیه توانسته است از لحاظ معنایی و بلاغی و صرفی، تعادل ترجمه‌ایی برقرار کند.

آیتی در ترجمه خود، با وجود اینکه از قید تشبیه «آنسان» نیز بهره جسته، اما به دلیل عدم به‌کاری‌گیری مصدر کمکی و ترجمه مصدر «دعاء» به صورت فعل «می‌خوانند» نتوانسته است آن‌گونه معادل دقیق بلاغی و صرفی برای این مفعول مطلق بازسازی کند.

ترجمه پیشنهادی: و مرا از کسانی قرار ده، که در آسایش و رفاه تو را مخلصانه می‌خوانند؛ مانند خواندن [صدا زدن] آن مخلصان در مانده در دعا کردن از تو...
(اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ ، وَأَبْرَهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ ...)
(دعای ۲۴: فراز ۵)

انصاریان: خدایا! چنانم قرار ده که از پدر و مادرم مانند ترسیدن از پادشاه ستمکار بترسم و به هر دو همچون مادری مهربان نیکی کنم...
آیتی: بار خدایا، چنان کن که هیبت پدر و مادرم در دل من چنان باشد که هیبت پادشاهی سخت مهیب، و به آن دو نیکی و مهربانی کنم انسان که مادری مهربان به فرزند خود نیکی و مهربانی کند.

شاهد در عبارت فوق، «هیبة السلطان» و «بِرَّ الْأُمِّ» مفعول مطلق‌های بیانی از نوع مضاف و مضاف الیه است. انصاریان در ترجمه مفعول مطلق نوعی نخست یعنی «هیبة السلطان»، به خوبی توانسته است ترجمه‌ایی پویا و هم‌ارز با متن مبدأ ایجاد کند و تعادل نحوی و معنایی در این قسم از ترجمه کاملاً مشهود است؛ زیرا وی با

به‌کارگیری قید تشبیه «مانند» و مصدر کامل «ترسیدن» که معادل مناسبی برای مصدر «هیبة»، توانسته است در سطح تحلیل معنایی و دستوری فرایند، تعادل ترجمه‌ایی ایجاد کند و پیام متن مبدأ در متن مقصد به درستی، بازسازی شود؛ اما در بخش دوم ترجمه، مترجم به دلیل حذف مضاف (مفعول مطلق) «البرّ» و اکتفا کردن به ترجمه مضاف‌الیه آن یعنی «الأم الرؤوف» نتوانسته است پیام و بلاغت موجود در متن اصلی را در متن مقصد بازسازی کند؛ زیرا این حذف موجب اختلاف در مشبه به شده است و در نهایت موجب اختلاف در پیام و انتقال آن شده است، چنان‌که در جملات ذیل مشاهده می‌شود، این اختلاف در پیام کاملاً مشهود و آشکار است:

- و به هر دو همچون مادری مهربان نیکی کنم.

- و به هر دو مانند نیکی کردن مادری مهربان، نیکی کنم.

آیتی نیز با ذکر ادوات تشبیه «چنان... که، انسان» تقریباً کوشیده است، ترجمه متناسب ارائه دهد؛ اما وی همچون ترجمه قبلی، مصدرهای موجود را به صورت اسم معنا و نه به شکل مصدر ترجمه کرده است و دیگر این‌که در بخش دوم ترجمه، یعنی در برگردان مصدر «برّ» آن را به صورت فعل «نیکی و مهربانی می‌کند» ترجمه کرده است؛ بنابراین گرچه ترجمه وی، ترجمه‌ایی متناسب است ولی نتوانسته است، ترجمه‌ای معادل مفعول مطلق نوعی را در متن مقصد بازتولید کند؛ زیرا نایدا معتقد است «مترجم باید تلاش کند معنای متن را آن‌گونه که توسط نویسنده درک شده است بازسازی کند» (نایدا، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

ترجمه پیشنهادی: خدایا! چنان کن که من از پدر و مادرم همچون ترسیدن از پادشاه ستمکار، بترسم! و مانند نیکی کردن مادر مهربان، به آن دو نیکی کنم.

(فَنَحْنُ مُودِعُوهُ وَدَاعَ مَنْ عَزَفَ رَأْفَهُ عَلَيْنَا، وَعَمَّنَا وَأَوْحَشَنَا أَنْصِرَافُهُ عَنَّا، وَلَزِمْنَا لَهُ الدِّمَامَ الْمَحْفُوظَ، وَالْحُرْمَةَ الْمَرْعِيَّةَ، وَالْحَقُّ الْمَقْضِيَّ، فَنَحْنُ قَائِلُونَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ، وَيَا عَيْدَ أَوْلِيَائِهِ) (دعای ۴۵: فراز ۲۳)

انصاریان: پس ما او را وداع می‌کنیم؛ وداع کسی که هجرانش بر ما سخت و

غم‌انگیز است و روگرداندنش ما را غم‌زده و دچار وحشت کرد. برای او برعهده ما، پیمانی محفوظ و حرمتی در خور رعایت و حقی واجب‌الاداء، لازم شد. براین اساس می‌گوییم: سلام بر تو ای بزرگ‌ترین ماه خدا! و ای عید دوستانش!

آیتی: ای خداوند، اینک با او وداع می‌کنیم، همانند وداع با عزیزی که فراقش بر ما گران است و رفتنش ما را غمگین و گرفتار وحشت تنهایی کند، عزیزی که او را بر ما پیمانی است که باید نگه داریم و حرمتی که باید رعایت کنیم و حقی که باید ادا نماییم. پس، اکنون می‌گوییم.

در عبارت فوق، شاهد «وداع من ...» مفعول مطلق نوعی به صورت مضاف و مضاف‌الیه است. همانطور که پیشتر بیان شد، معادل این نوع مفعول مطلق در زبان فارسی، تشبیه و تماثل است و در بازسازی مصدر مفعول مطلق یعنی «وداع» می‌بایست از مصادر کمکی در زبان فارسی بهره جست؛ اما با وجود این، انصاریان در ترجمه این مفعول مطلق، نه تنها از قید تشبیه استفاده نکرده بلکه مصدر «وداع» را به صورت اسم معنا ترجمه کرده. آیتی در ترجمه این مفعول مطلق رویکرد بهتری داشته است؛ چرا که وی برای بازسازی مفعول مطلق از قید تشبیه استفاده کرده و تنها ایرادی که از این ترجمه می‌توان گرفت، عدم بازسازی مصدر «دعاء» به شیوه مصدری در زبان مقصد است.

ترجمه پیشنهادی: پس ما او را وداع می‌کنیم؛ همچون وداع کردن کسی که هجرانش بر ما سخت و طاقت‌فرسا است ...

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَاعْفِرْ لَهُمَا بِيْرَهُمَا بِي مَغْفِرَةً حَثْمًا، وَأَرْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضِي عَزْمًا ...) (دعای ۲۴: فراز ۱۴).

انصاریان: خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به برکت دعایی که برای آنان می‌کنم بیامرزد و آنان را به خاطر احسانشان به من، در گردونه آمرزش قرار ده؛ آمرزشی لازم و قطعی و به خاطر شفاعتم در حق آنان، از آن‌ها خشنود شو، خشنودی استوار و پابرجا ...

آیتی: بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا به سبب دعایی که در

حق ایشان می‌کنم بیامرز و آن دورا به سبب نیکی و مهربانی که در حق من کرده‌اند به مغفرت خویش بنواز و به شفاعت من از ایشان خشنود شو و نیک خشنود شو... در عبارت فوق، دو واژه «مغفرة» و «رضی» مفعول مطلق است و به ترتیب «حتماً» و «عزماً» نوع آن‌ها را تبیین کرده است. در برگردان و بازسازی این نوع مفعول مطلق باید دقت کرد که «معادل مفعول مطلق نوعی، قید کیفیت و یا قید تأکید می‌آوریم و نوع لغوی قید را متناسب با صفت مفعول مطلق و معنای لغوی آن برمی‌گزینیم» (قلی‌زاده، ۱۳۷۹ ش: ۹۷)؛ از همین رو در این عبارت، دو مفعول مطلق مذکور را می‌بایست به صورت قید کیفیت و تأکید ترجمه کرد و نوع لغوی آن‌ها را همسو و متناسب با لغات «حتماً» و «عزماً» انتخاب کنیم؛ بنابراین قیدی که به عنوان مفعول مطلق نوعی برمی‌گزینیم تلفیقی از مصدر (مفعول مطلق) و صفت آن خواهد بود.

اما در ترجمه آقای انصاریان، چنان‌که ملاحظه می‌شود، مفعول مطلق نوعی در دو ترکیب «آمزشی لازم و قطعی» و «خشنودی استوار و پابرجا» هریک از مفعول مطلق و صفت آن به صورت واحدی مستقل و جزء به جزء ترجمه کرده‌اند؛ در صورتی که لغات «حتماً» و «عزماً» واحدی مستقل و جداگانه از ساختار مفعول مطلق نیستند؛ بلکه جزئی ناگسستنی از مصدر (مفعول مطلق) به شمار می‌آیند که مبین نوع هریک از مفعول مطلق و متمم معنایی آن‌ها محسوب می‌شوند، پس این نوع برگردان و بازسازی مفعول مطلق برخلاف استانداردهای دستوری زبان مقصد است؛ چرا که صرفاً نتیجه آن، تکرار کلمه یا تکرار یک نقش نحوی می‌باشد که نوعی ناهنجاری و ساختارشکنی در متن مقصد ایجاد کرده است و مفاد و معنای نحوی - بلاغی مفعول مطلق به درستی در متن مقصد منعکس نشده است؛ بلکه صرفاً ظاهر ساختار مفعول مطلق، به متن مقصد انتقال یافته است؛ بنابراین آنچه گذشت، می‌توان گفت که ترجمه انصاریان از مفعول مطلق نوعی به دلیل حفظ ساختار مفعول مطلق، مطابق با ترجمه صوری نایدا است.

در ترجمه آقای آیتی، نقش مفعول مطلق نخستین (مغفرةً حتماً) را نادیده گرفته

و آن را به صورت متمم (به مغفرت خویش) بازسازی و ترجمه کرده است؛ در صورتی که معادل مفعول مطلق نوعی، فقط قيود تأکید و کیفیت می باشد؛ اما مترجم در برگردان مفعول مطلق نوعی دوم (نیک خشنود شو) موفق عمل کرده است؛ چرا که مترجم مفعول مطلق و صفت آن را به صورت نقشی واحد و تلفیقی از قید تأکید و کیفیت ترجمه کرده است و همین امر موجب شده است که ترجمه آقای آیتی به لحاظ ساختار نحوی ترجمه‌ای معادل به شمار آید؛ چرا که مترجم افزون بر اینکه مفاد و بلاغت نحوی مفعول مطلق نوعی را در ترجمه خود بازتاب کرده است، توانسته است ترجمه‌ایی ارائه کند که از لحاظ ساختار نحوی و دستوری نیز با زبان فارسی منطبق و هماهنگ می باشد، پس ترجمه دوم نیز همسوبا ترجمه پویا است. ترجمه پیشنهادی: و آن دورا بخاطر نیکی اشان به من، تمام و کمال بیامرزا! و به شفاعت من از آن دونیک خشنود شو! ...

(فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النَّعْمَاءِ، حَمْدًا يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ، حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ) (دعای ۳۶: فراز ۶).
انصاریان: تورا سپاس بر آن که ما را از بلا نگاه داشتی و تورا شکر بر نعمت‌هایی که به ما دادی؛ سپاسی که سپاس سپاسگزاران را پشت سرگذارد؛ سپاسی که زمین و آسمان خدا را پر کند.

آیتی: حمد باد تورا که ما را از بلا در امان داشته‌ای. سپاس تورا که نعم خود به ما عطا فرمودی. حمدی که حمد دیگر حمد گویان را واپس گذارد، حمدی که زمین و آسمانها را بینبارد.

در عبارت فوق، هر دو مفعول مطلق نوعی «حمداً» دارای جملات وصفی اند و نوع آن‌ها با همین جملات وصفی تبیین می شوند و مترجم در بازسازی این نوع مفعول مطلق باید از «قید مرکب از نوع قید کیفیت» از قبیل: «چنان ... که ...»، «چنانکه شایسته است» و «چنانکه باید» بهره بجوید (قلی پور، ۱۳۷۹ ش: ۹۹). پس در این دعای شریف، «حمداً» مفعول مطلق است و جمله «يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ» صفت آن و همین‌گونه صفت «حمداً» مفعول مطلق دوم نیز جمله وصفی

«يَمَلَأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ» می باشد.

همانطور که ملاحظه می شود هر دو مترجم، در ترجمه این نوع مفعول مطلق، رویه ایی مشابه دنبال کرده اند و هر دو معنای مفعول مطلق را تقریباً به درستی به زبان مقصد منتقل کرده اند که می توان گفت، ترجمه ایی پویا ارائه کرده اند؛ اما با وجود این بهتر بود که مترجمان در بازسازی این نوع از مفعول مطلق نوعی، از «قید مرکب کیفیت» استفاده می کردند؛ در این صورت ترجمه ایی معادل و متناسب با ساختار زبان مقصد به دست می دادند.

ترجمه پیشنهادی: ... چنان سپاسی که سپاسِ سپاسگزاران را به دنبال داشته باشد... چنان سپاسی که زمین و آسمان ها را لبریز کند.

۳-۳- بازسازی جانشین مفعول مطلق و مشکلات آن در حوزه جانشینی

در علم نحو، گاهی کلماتی به نیابت از مفعول مطلق در جمله بیان می شوند که همچون مفعول مطلق منصوب می باشند و به طور کلی کلماتی که نائب مصدر مفعول مطلق هستند، به دو بخش اساسی تقسیم می شوند، اعم از جانشینی مفعول مطلق تأکیدی که شامل موارد ذیل می باشد:

۱- اسم مصدر؛ مانند: «أَعْطَيْتُكَ عَطَاءً». ۲- مرادف آن، از یک لفظ نباشند ولی از لحاظ معنا به هم نزدیک باشند؛ مانند: «سَنَنْتُ الْكِسْلَانَ بُغْضًا». ۳- مصدری که از لحاظ اشتقاقی یکی باشند؛ مانند: «تَبَتَّلَ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً» (مزل / ۸). همچنین کلماتی که جانشین مفعول مطلق نوعی و عددی می باشند به شرح ذیل می باشد:

۱- صفت؛ مانند: «اذكروا الله كثيراً» (جمعه / ۱۰). ۲- ضمیری که به مصدر مفعول مطلق بازگردد؛ مانند: «فَإِنِّي أَعَدُّبُهُ عَذَابًا شَدِيدًا لَا أَعَدُّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (مائدة / ۱۱۵). ۳- آنچه که دلالت بر نوع فعل کند؛ مانند: «رَجَعَ الْقَهْقَرَى». ۴- عدد مخصوص فعل؛ مانند: «أَنْذَرْتُكَ ثَلَاثًا». ۵- وسیله مخصوص فعل؛ مانند: «ضَرَبْتُ اللَّصَّ سَوَاطٍ». ۶- «ما» و «أَيُّ» استفهام؛ مانند: «مَا أَكْرَمَتْ خَالِدًا؟» و «أَيُّ عَيْشٍ تَعِيشُ؟». ۷- «ما، مهما وَأَيُّ» شرط؛ مانند: «مَا تَجْلِسُ أَجْلَسُ»، «مهما تقف أقف»

و «أی سیرتسراسر». ۸- لفظ «کل، بعض و آی کمالیت» که به مصدر اضافه شده اند؛ مانند: «فلاتمیلوا کلَّ المیل»، «سعیْتُ بعضَ السعی» و «اجتهدتُ أی اجتهدا». ۹- اسم اشاره؛ مانند: «قلتُ ذلک القول» (ر. ک؛ غلایینی، ۱۳۳۰: ج ۳، ۳۴-۳۶؛ شرتونی، ۱۳۹۲: ش: ۲۳۶-۲۳۷). در این مقاله سعی شده است، بازسازی و برگردان جانشین مفعول مطلق صحیفه سجادیه، که شامل جانیشینی به صورت اسم مصدر، استفهام و جانیشینی به صورت کلمات خاص و صفت می باشد، مورد بررسی و تحلیل واقع شود.

۳-۱-۳-۱- جانیشینی مفعول مطلق به صورت اسم مصدر

(اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ ...) (دعای چهارم: فراز ۳).

انصاریان: خدایا! و به ویژه اصحاب محمد (صلی الله علیه و آله) را، آنان که شرط هم نشینی با او را به خوبی پاس داشتند و کسانی که دریاری دادن به حضرتش، امتحان دادند، امتحانی نیکو... .

آیتی: به ویژه آنان که حق صحبتش نیکو ادا کردند و در نصرتش دلیرها نمودند... در عبارت فوق، «البلاء» اسم مصدر و نائب مصدر است و همچون مفعول مطلق موصوفه عمل می کند؛ در ترجمه انصاریان، این نائب مفعول مطلق، براساس تشابه ساختاری ترجمه شده است در حالی که این گونه مفعول مطلق می بایست به صورت نقشی واحد ترجمه شود و نه به صورت جداگانه و مستقل؛ بنابراین می توان گفت که مترجم به دلیل حفظ ساختار زبان مبدأ در ترجمه خود، ترجمه ایی صوری به ارائه کرده است؛ اما یکی از خطاهای اساسی که در ترجمه مفعول مطلق موصوف دیده می شود، ترجمه آن به صورت مفعول صریح است در صورتی که صحیح ترین نقش دستوری برای ترکیب فوق، مفعول مطلق نوعی است و نه مفعول به، به عنوان مثال آیتی در ترجمه این آیه «فَيَعَذِّبُهُ اللهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» (غاشیه / ۲۴)؛ «پس خدایش به عذاب بزرگ تر عذاب می کند»، مفعول مطلق نوعی «العذاب الأكبر» را به صورت مفعول صریح برگردانده است. در حالی که معادل مفعول مطلق در زبان

فارسی معیار، تنها قیود هستند و در برگردان آن‌ها می‌توان از قیود «به نیکویی، با اکرام، بزرگوارانه، با بزرگواری...» بهره جست (قلی‌پور، ۱۳۷۹ش: ۹۷).

چنان‌چه در ترجمه آیتی ملاحظه می‌شود، مفعول مطلق «البلاء الحسن» را مجدداً به عنوان مفعول به در نظر گرفته و آن را به صورت مفعول صریح (دلیری‌ها) برگردانده است؛ بنابراین می‌توان گفت که مترجم در مرحله تحلیل دستوری متن مبدأ مانند غالب مترجمان دچار خطا شده است و همین امر موجب شده است که معنای نحوی و بلاغی مفعول مطلق به متن مقصد منتقل نشود و دیگر اینکه این ترجمه به دلیل دگرگونی که در ساختار نحوی زبان مبدأ داشته است، ترجمه پویا محسوب می‌شود.

در ترجمه پیشنهادی این نوع مفعول مطلق می‌توان از پیشوند «با، به، ...» استفاده کرد، افزون بر این هرگاه نوع مفعول مطلق به وسیله «صفت» مشخص گردد، این صفت غالباً بیانگر کیفیت فعل خواهد بود؛ از همین رو در ترجمه آن چنان‌چه قبلاً نیز بدان اشاره شد، باید متناسب با صفتی که ذکر شده است از قید کیفیت بهره گرفت.

ترجمه پیشنهادی: و دریاری دادن به حضرتش به نیکویی تلاش کردند.

(اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِكَ، وَهَذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ، يَبْتَغِيَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَّةٍ، فَلَا تُمِطِرْنَا بِهِمَا مَطَرَ السَّوْءِ، وَلَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ) (دعای ۳۶: فراز ۱).

انصاریان: خدایا! همانا این «رعد و برق» دو نشانه از نشانه‌های تو و دو خدمتگزار از خدمتگزاران تو؛ که در مقام فرمان بردن از تو، به رحمتی سودمند، یا عقوبتی زیان بخش، می‌شتابند؛ پس به وسیله آن دو، باران زیان بار بر ما مباران و به سبب آن دو لباس بلا بر ما می‌پوشان.

آیتی: بار خدایا، این دو، دو نشانه از نشانه‌های تو و دو کارگزار از کارگزاران تو؛ که به فرمانبرداری تو می‌شتابند آنگاه که بخواهی رحمت سودمند خود را فرستی یا عقوبت و عذاب زیانبار خویش را. ای خداوند، به آن دو، باران عذاب بر ما مبار و

جامه‌ی محنت و بلا بر ما می‌پوشان.

در عبارت فوق، شاهد مثال «مَطْرَ السَّوءِ» و «لِبَاسِ الْبَلَاءِ» می‌باشد که به عنوان نائب مصدر به شمار می‌آیند؛ چرا که «المطر» و «الباس» مصدر «تمطر» و «تلبس» نیستند؛ بلکه مصدر دیگری جانشین مصدر اصلی شده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در هر دو ترجمه، نائب‌های مصدر را به شکل ترکیب وصفی و منطبق با ترجمه پویا ترجمه کرده‌اند؛ اما آیتی به اشتباه «السوء» را به «عذاب» ترجمه و «البلاء» را به «محنت و بلا» برگردانده است

ترجمه پیشنهادی: پس به وسیله آن دو، باران بد [زیانبار] بر ما مباران و لباس گرفتاری بر ما می‌پوشان.

۳-۳-۲- جانشین مفعول مطلق به صورت استفهام

یکی از مواردی که جانشین مفعول مطلق نوعی واقع می‌شود، «ما» و «أی» استفهام یا شرط در جمله می‌باشد. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود: «أی سیرسرت؟: چگونه راه رفتنی را رفتی؟»، در واقع منظور این است: «راه رفتی، چگونه راه رفتنی را». باید توجه داشت که در بازسازی و برگردان این نوع جانشین مفعول مطلق در زبان فارسی، از ضمیر پرسشی «چه» و «چگونه» که نائب از مصدر باشد، در جمله به کار برد:

چه دیدی که حالت دگرگونه گشت کسی گفتش از همنشینان دشت
منظور سعدی در بیت فوق از «چه دیدی که حالت دگرگونه گشت» در واقع این
است که «چه دیدنی را دیدی؟» می‌باشد (رک، طبیبیان، ۱۳۹۱ش: ۱۸۴-۱۸۳). در
ادامه به بررسی شاهد مثال موجود در صحیفه سجادیه می‌پردازیم:

(سُبْحَانَكَ أَيَّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ؟! وَأَيَّ تَغْرِيرٍ عَزَّزْتُ بِنَفْسِي؟!) (دعای ۵۳:

فراز ۳)

انصاریان: منزه و پاکی؛ با چه جسارت و جراتی، نسبت به روی‌گردانی از دستورهایت دلیر شدم؟! و با کدام سبب هلاکت، خود را به نابودی انداختم؟! آیتی: منزهی تو ای خداوند. به کدام جرات با تو گستاخی کردم؟ به دمدمه‌ی

کدام فریب خود را در ورطه‌ی هلاکت افکندم؟

در این عبارت شریف، هردو واژه «أَيَّ» جانشین مفعول مطلق می‌باشد، به تناسب مصدری که بعد از آن‌ها واقع شده است و هردو مترجم، در بازسازی و برگردان این نوع جانشین مفعول مطلق نوعی، معادلی مناسب با زبان مقصد را برگزیده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که هردو مترجم، ترجمه پویا و هم‌ارز به دست داده‌اند که کاملاً هماهنگ و متناسب با زبان و فرهنگ جامعه مقصد است؛ از همین رو این نوع ترجمه به مانند متن اصلی می‌تواند تأثیری مشابه و یکسان بر خواننده متن بگذارد.

۳-۳-۳- جانشینی مفعول مطلق به شکل کلمات خاص

(وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ تَزْفُرُونَ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ) (دعای ۳: فراز ۹)

انصاریان: و آن دسته از فرشتگانی که چون به سوی دوزخ بنگرند که بر متخلفان از دستورهائیت خروشان و عربده‌کنان است، می‌گویند: خدایا! منزّه و پاکی؛ ما تو را چنانکه سزاوار توست بندگی نکردیم.

آیتی: و چون به لهیب دوزخ تو بنگرند و نهیبش را برگنهکاران بشنوند، گویند که پروردگارا منزهی تو، تو را آنچنان که سزاوار پرستش توست نپرستیده‌ایم.

شاهد در عبارت فوق «حَقَّ» می‌باشد که به عنوان جانشین مفعول مطلق، به مصدر (عبادة) بعد از خود اضافه شده است و در هردو ترجمه چنان که ملاحظه می‌شود به صورت قید در زبان مقصد برگردانده شده است از این منظر تعادل نحوی و ساختاری در هردو ترجمه مشهود می‌باشد و پویا به شمار می‌آیند؛ اما ترجمه دوم، به دلیل ذکر مصدر (عبادة / پرستش) در متن مقصد، زیباتر و بلیغ‌تر به نظر می‌رسد و تنها ایرادی که می‌توان از این ترجمه گرفت، این است که مترجم، فعل جمله را به صورت ماضی نقلی، ترجمه کرده است حال آنکه می‌بایست به صورت ماضی ساده مطابق با متن اصلی (صحیفه سجادیه) ترجمه می‌کرد.

ترجمه پیشنهادی: ما تو را چنان که سزاوار پرستش توست، بندگی نکردیم.

۳-۳-۴- جانیشینی مفعول مطلق به شکل صفت

در مواردی که صفاتی از قبیل: «کثیراً»، «قلیلاً» و... به نیابت از مصدر مفعول مطلق در جمله ذکر می‌شود، غالباً معادل آن‌ها در زبان فارسی قید مقداری است که دلالت بر شدت و ضعف انجام فعل و یا کمیت دفعات انجام آن می‌باشد و این قیود شامل: کم، بیش، بیش‌تر، خیلی، فراوان، به اندازه... می‌باشد (زرکوب، ۱۳۸۸ش: ۷۶).

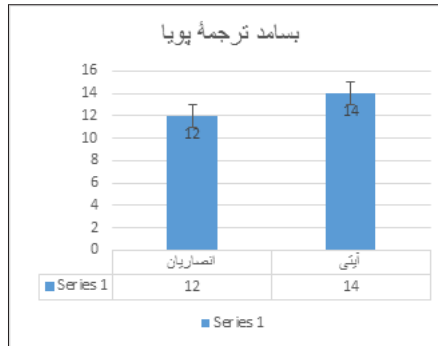
(ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِيْنَ وَالْبَاقِيْنَ
عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَ مَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا
مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ) (دعای اول: فراز ۲۷)

انصاریان: سپس او را ستایش، به جای همه نعمت‌هایی که او بر ما و به تمام بندگان گذشته‌اش و همه آنانی که هستند و می‌آیند، دارد، ستایشی به عدد تمام اشیایی که دانشش بر آن‌ها احاطه دارد و ستایشی به جای هریک از اشیا به چندین برابر؛ ستایشی ابدی و همیشگی تا روز قیامت.

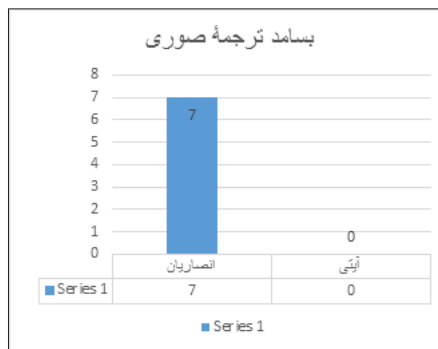
آیتی: حمد باد او را به جای هر نعمتی که بر ما و بر دیگر بندگان در گذشته و زنده خود دارد، به شمار همه چیزها که در علم بی‌انتهای او گنجد و چند برابر نعمتهایش، حمدی بی‌آغاز و بی‌انجام و تا روز رستاخیز.

در عبارت فوق، شاهد کلمه «عَدَدَ» صفت برای مصدر محذوف «حمد» است، به عبارتی جمله در تقدیر این گونه بوده است: «ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِيْنَ وَالْبَاقِيْنَ حَمْدَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ...» بوده است که مصدر (حمد) محذوف گشته و صفت به نیابت از آن در جمله ذکر شده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، هر دو مترجم، مفعول مطلق را معادل با ساختار زبان مقصد ترجمه کرده‌اند؛ بنابراین هر دو توانسته‌اند ترجمه‌ایی پویا و هم‌ارز با متن مقصد به ارائه کنند؛ البته ترجمه انصاریان، به دلیل ذکر مصدر محذوف (ستایش) در متن مقصد، ترجمه‌ایی بلیغ‌تر و شیوا تر ارائه کرده است.

نمودار شماره ۱، بسامد انطباق دو ترجمه مذکور بر ترجمه پویای یوجین نایدا.



نمودار شماره ۲، بسامد انطباق دو ترجمه مذکور بر ترجمه صوری یوجین نایدا.



۴- نتیجه‌گیری

- طبق بررسی‌هایی که در این پژوهش صورت گرفت، روشن می‌شود که در ترجمه صحیفه سجادیه به عنوان یک کتاب مقدس، آنچه در نخستین درجه حائز اهمیت است، انتقال درست محتوای پیام می‌باشد؛ یعنی مترجم در وهله نخست می‌بایست به بازسازی پیام در متن مقصد بپردازد نه اینکه صورت یک زبان بیگانه را بر زبان دیگری تحمیل سازد و برای تحقق چنین امری مترجم ناگزیر است به اصلاحات فراوان و به جایی از قبیل تعدیلات دستوری و بومی‌سازی آن در زبان مقصد روی آورد؛ به عبارتی دیگر مترجم باید با اتخاذ معادل‌یابی‌های پویا و طبیعی در متن مقصد، خوانندگان را به متن اصلی متصل کند، بدین ترتیب میان متن

اصلی و متن ترجمه شده، هم ارزی پویا برقرار می شود و متن ترجمه شده، تأثیری مشابه با متن اصلی، بر مخاطب خود به جای می گذارد؛

- پژوهش انجام شده، نشان می دهد که از جمله مواردی که موجب انتقال صحیح محتوا و پیام صحیفه سجادیه در متن ترجمه می شود، این است که میان ساختارهای افتراقی به ویژه ساختار نحوی دوزبان هم ارزی پویا برقرار شود و این مهم فقط با انتخاب برابرها و معادل های مناسب امکان پذیر است و از آنجایی که ساختار مفعول مطلق از جمله موارد نحوی است که فقط منحصرزبان عربی است و در زبان فارسی معیار، شباهت ساختاری ندارد، همین مسئله، موجب لغزش بسیاری از مترجمان از جمله آقایان انصاریان و آیتی نیز شده است؛ بنابراین برای اجتناب از چنین لغزشی، می بایست مترجم برای آن در زبان مقصد، معادل های ساختاری مناسب که همان قیود تأکید، کیفیت و مقدار هستند، برگزیند و در صورت عدم توجه به این ساختار یا ترجمه آن به شیوه صوری و تحت اللفظی، چنان چه که در اکثر ترجمه های آقایان انصاری و آیتی، مشاهده می شد باعث نارسایی متن ترجمه و عدم انتقال صحیح پیام به متن ترجمه می شود، افزون بر این، وارد کردن این ساختار بیگانه در متن مقصد می تواند به زبان فارسی نیز آسیب جدی وارد کند؛

- نمونه های بررسی شده حاکی از آن است که هر دو مترجم در بازسازی معادل های ساختاری برای مفعول های مطلق تأکیدی، بیشترین لغزش را داشته اند، انصاریان در ترجمه مفعول های مطلق تأکیدی تا حد بسیاری به صورت و ساختار زبان مبدأ پایبند بوده و کوشیده است ترجمه ایی صوری ساختار مفعول مطلق تأکیدی را در متن مقصد منتقل کند؛ از همین رو به ترجمه تحت اللفظی این ساختار که در زبان فارسی معیار رایج نیست، روی آورده است، در واقع ترجمه انصاریان در محور بازسازی مفعول مطلق تأکیدی به سوی عربی گرایی و ترجمه گونگی سوق پیدا کرده است؛ اما آیتی، در ترجمه خود، از ترجمه صوری نایدا، اجتناب ورزیده است، اشکالات اساسی که در ترجمه مفعول های مطلق های تأکیدی آیتی مشاهده می شود،

عدم توجه به این ساختار و حذف کامل آن از ترجمه خود می باشد و هیچ گونه معادل سازی برای این ساختار در متن مقصد انجام نداده است؛

- مترجمان در بازسازی مفعول مطلق های نوعی و جانشینی بهترین عملکرد را داشته اند؛ چرا که آنان کوشیده اند معادل های ساختاری مناسبی را در زبان مقصد برگزینند، در واقع مترجمان در این دو محور، مقصدگرا عمل کرده و ترجمه ایی پویا و منطبق با زبان گیرنده، به دست داده اند.

- در مجموع می توان گفت، طبق نمودارهای مقاله، آیتی ترجمه ایی مخاطب محور و روان تر از انصاریان ارائه داده است؛ زیرا آیتی در ترجمه خود بر ترجمه پویا و طبیعی بیشتر تکیه داشته اند.

منابع

قرآن کریم.

صحیفه سجادیه.

آقابزرگ تهرانی، محمد حسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: اضواء، بی تا.

پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۲ ش.

حسن، عباس، النحو الوافی، جلد دوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۴۲۲ق.

حقانی، نادر، نظرها و نظریه های ترجمه، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۹ ش.

خزاعی فر، علی، ترجمه متون ادبی، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۸۲ ش.

خیام پو، عبدالرسول، دستور زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۴۴ ش.

زرکوب، منصوره، روش نوین فن ترجمه، اصفهان: مانی، ۱۳۸۸ ش.

السامرائی، فاضل صالح، معانی النحو، الجزء ۲، عمان: دار الفکر، ۱۴۲۰هـ.

شرتونی، رشید، مبادئ العربية في الصرف والنحو، جلد چهارم، تهران: اساطیر، ۱۳۹۲ ش.

صلح جو، علی، گفتمان و ترجمه. چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱ ش.

صلح جو، علی، گفتمان و ترجمه، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷ ش.

طیبیان، سید محمد، برابره های دستوری در عربی و فارسی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱ ش.

طهماسبی، عدنان، سعدالله همایونی و شیما صابری، «لایه‌های زبانی و بافت بیرونی در تعادل ترجمه‌ای»، فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۷، سال سوم، تابستان، ۱۳۹۲ ش.

الغالیینی، مصطفی، جامع الدروس العربیة موسوعة فی ثلاثة أجزاء، الجزء الثالث، بیروت: المكتبة العصریة. ۱۳۳۰ هـ.

فرحزاد، فرزانه، «نظریه نایدا»، مجله زبان و زبان‌شناسی، دوره اول، شماره ۱. صص ۳۵-۴۶. ۱۳۸۴ ش.

فرحزاد، فرزانه، «نقد ترجمه: ارائه مدلی سه‌وجهی»، مجله پژوهشنامه، شماره ۸۸، صص ۲۹-۴۸، ۱۳۹۰ ش.

قلی‌زاده، حیدر، «مفعول مطلق و معادل ساختاری آن بر اساس ساختار زبانی قرآن کریم»، بینات، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۷۹ ش.

- کوکی‌دانا، حوریه و علی سعیدآوی، «بررسی شیوه‌های برگردان مثنی در چهار ترجمه قرآن کریم و قابلیت انطباق آن با ساختار دستوری زبان فارسی مطالعه موردی ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، آیتی، خرمشاهی و انصاریان»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۸، شماره ۱۵، بهار و تابستان، صص ۲۸۷-۳۱۰. ۱۴۰۰ ش.

معروف، یحیی، فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی، چاپ چهاردهم، تهران: دانشگاه رازی و سمت، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۶ ش.

منافی اناری، سالار، «بررسی تطبیقی و تحلیلی در ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه»، فصلنامه زبان و ادب، شماره ۳۵، ۱۳۸۷ ش.

نایدا، آ. یوجین، اصول و روش ترجمه؛ ترجمه فریدون بدره‌ای، جلد سوم بی‌مک، ۱۳۵۳ ش.

نایدا، یوجین، نحو علم الترجمة، ترجمه ماجدالنجار، بغداد: مطبوعات وزارة الاعلام، ۱۹۷۶ م.

نایدا، ای، یوجین و چارلز. آ. تیسر، نظریه و عمل در ترجمه، مترجمین: آناهیتا امیرشجاعی و زهرا داوریان، گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۳ ش.